

حقوق زن در قوانین اساسی و مدنی ترکیه

یکی از منابع اساسی حقوق هر کشور، قوانین موضوعه آن کشور می باشد. چرا که بسیاری از حقوق اشخاص در قوانین کشورها تصریح و تعیین می گردد و از طریق مراجعه به قوانین است که می توان میزان حقوق اشخاص را تشخیص داد. در میان قوانین موجود هر کشور نیز دو قانون یعنی قانون اساسی و قانون مدنی نقش فوق العاده ای را ایفا می کند. مجازات تجاوز به حقوق افراد نیز در قانون مجازات ذکر می گردد.

در این مقال کوشش می شود که حقوق زن با توجه به قانون اساسی و مدنی ترکیه مورد بحث و بررسی فشرده و مختصر قرار بگیرد. چراکه عمده حقوق زنان در دو قانون فوق معین شده است. امید است که با مطالعه این نوشته بتوان به پاسخ پاره ای از مسایل مربوط به حقوق زن در ترکیه رسید.

الف - زن و حقوق مدنی

1) استفاده از حقوق مدنی

براساس ماده 8 قانون مدنی ترکیه: "هر شخص از حقوق مدنی استفاده می کند. بنابراین هر کس در حدود قانون به لحاظ داشتن اهلیت در حقوق و تکالیف مساوی است".

ماده مذکور تفاوتی میان زن و مرد نگذاشته است و استفاده از حقوق مدنی را حق همه افراد جامعه دانسته است. صلاحیت استفاده از حقوق و تکالیف نیز مشمول همین حکم است.

داشتن رشد، شرط اصلی صلاحیت استفاده از حقوق است. (ماده 10 م.) و کسی رشید است که 18 سال داشته باشد و یا ازدواج نماید. (ماده 11 م.)

بنابراین ملاحظه می شود که سن رشد در زن و مرد برابر است و قانونگذار فرقی میان آن دو قائل نشده است.

2) اقامتگاه قانونی

می دانیم که همه افراد باید اقامتگاه قانونی داشته باشند. اقامتگاه فرزندان و افراد محجور همان اقامتگاه ابویین و قیم است. اقامتگاه زن و شوهری هم که با هم زندگی می کنند، همان اقامتگاه شوهر است. اما چنانچه زن جدا از شوهر زندگی کند، می تواند اقامتگاه جداگانه ای داشته باشد. (ماده 21 م.)

3) ازدواج

4) سن ازدواج

سن ازدواج در کشورهای دنیا یکسان نیست. همین وضعیت در مورد ترکیه نیز صادق است. به طوری که براساس ماده 88 م. ترکیه: "پسر تا اتمام 17 سالگی و دختر تا اتمام 15 سالگی نمی توانند ازدواج نمایند".

بنابراین سن ازدواج در مورد دختر و پسر برابر نیست و دو سال فرق دارد. ضمناً حاکم می تواند در شرایط فوق العاده و به استناد یک دلیل بسیار مهم به ازدواج پسر شانزده سال تمام و دختر 14 سال تمام اجازه دهد. (ماده 88 م.).

5) دادن اذن نکاح

براساس ماده 90 م. ترکیه، فرزند بدون رضایت پدر و مادر یا وصی نمی تواند ازدواج کند و رضایت هر یک از آن دو یا وصی شان برای انجام نکاح کفایت می کند.

در حقوق ایران، فرزند دختر بدون اذن پدر یا پدر بزرگ نمی تواند ازدواج نماید و رضایت مادر و دیگران تأثیری در صحت ازدواج ندارد. اما در حقوق ترکیه رضایت مادر نیز برای تحقق نکاح مؤثر است.

6) ازدواج مجدد زن بعد از وفات شوهر

زن در حقوق ایران بعد از وفات شوهر عده وفات می گیرد که مدت آن 4 ماه است و در مدت عده نمی تواند با فرد دیگری ازدواج نماید. در حقوق ترکیه این مدت 300 روز تعیین شده است که در مورد طلاق و بطلان نکاح نیز لازم الرعایه است. اما چنانچه زن وضع حمل نماید، عده مذکور پایان می یابد. همچنین در صورتی که زن و شوهری که از یکدیگر جدا شده اند، بخواهند ازدواج مجدد نمایند، حاکم می تواند مدت مذکور را کاهش دهد. ماده 95 م. ترکیه همان طوری که ملاحظه می شود در حقوق ترکیه زن و شوهر در صورت رجوع نیز باید مدت عده را رعایت نمایند و حاکم مخیر است که مدت مذکور را کاهش دهد یا نه. اما در حقوق ایران، زن و شوهری که از همدیگر جدا شده اند، در صورت تمایل به رجوع، نیازی به حکم دادگاه و رعایت مدت عده ندارند. همچنین مدت عده در طلاق و بطلان نکاح 300 روز نیست.

7) بطلان ازدواج

در حقوق ترکیه چند همسری قانونی شمرده نشده است به طوری که براساس بند اول ماده 112 "چنانچه یکی از طرفین (اعم از زن و مرد) در زمان اجرای مراسم نکاح متأهل باشند، ازدواج مذکور محکوم به بطلان است." همچنین براساس بند 2 ماده مذکور، "چنانچه هر یک از طرفین در زمان اجرای عقد نکاح مجنون و یا غیرممیز باشند عقل باطل است".

بنابراین براساس قانون مدنی آن کشور، چند همسری مجاز شمرده نشده است و زن و مردی که بدون توجه به قانون با دیگری نیز ازدواج نماید، عقدش باطل و فاقد هرگونه اثر حقوقی است. همچنین ازدواج با غیرممیز یا مجنون باطل شمرده شده، این در حالیست که در حقوق ایران ازدواج مرد متأهل با زن دیگر باطل نیست و صرفاً به رضایت همسر اولی بستگی دارد. همچنین ازدواج با محجور باطل نیست بلکه از موارد فسخ شمرده می شود. ازدواج با محارم (نسبی و سببی) نیز از موارد بطلان نکاح است. (بند 3 ماده 112 م. ترکیه)

ذکر این مطلب لازم است که قانون تک همسری در پاره ای از نقاط ترکیه رعایت نمی شود. چرا که از نظر آنان صیغه شرعی برای صحت عقد نکاح کفایت می کند و برای انجام آن به امام جماعت محل مراجعه می شود که به این نوع ازدواج، "نکاح امام" می گویند. اضافه می شود که اغلب مردم برای انجام عقد ابتدا به نزد امام می روند و بعد از آن برای ثبت ازدواج به مأمور رسمی ازدواج مراجعه می نمایند. اما از دیدگاه قانون مدنی، برای صحت ازدواج رعایت

موارد مذکور و مراجعه به دفتر ثبت ازدواج که در شهرداری ها مستقر است کفایت می کند و نیازی به خواندن صیغه شرعی وجود ندارد.

8) طلاق

در قانون مدنی ترکیه ، طلاق بدون دادخواست انجام نمی گیرد. بنابراین هر یک از زن و شوهر ، برای جدایی از یکدیگر باید ابتدا دادخواست طلاق به دادگاه بدهد. در موارد ذیل هر یک از طرفین می تواند نسبت به تقدیم دادخواست طلاق به محکمه اقدام نماید:

• ارتکاب زنا

عمل زنا از اسباب درخواست طلاق است . بنابراین زن یا شوهر می تواند به استناد زناي همسر ، دادخواست جدایی از وی را به دادگاه تقدیم کند. حق درخواست طلاق از تاریخ اطلاع از ارتکاب زناي هر یک از همسران ، 6 ماه و به هر حال از تاریخ وقوع زنا نباید بیش از 5 سال گذشته باشد. در صورت عفو ، اقامه دعوی مسموع نیست . (ماده 129 م.)

• قصد جان و رفتار سوء

چنانچه هر یک از زن یا شوهر قصد جان یکدیگر را داشته یا رفتار سوئی داشته باشد، طرف زیان دیده می تواند به سبب آن در دادگاه اقامه طلاق نماید. مدت اقامه دعوا، 6 ماه از تاریخ اطلاع به سبب دعوی طلاق و در هر حال از تاریخ وقوع قصد یا رفتار بد حداکثر 5 سال است . در صورت عفو ، دعوی مسموع نیست . (ماده 130 م.)

• ارتکاب جرم ترذیلی یا بی حیثیتی نسبت به طرف مقابل

چنانچه هر یک از شوهر یا زن ، مرتکب جرم ترذیلی شود یا موجب بی آبرویی و عدم حیثیت طرف مقابل شود، زیان دیده می تواند نسبت به تقدیم دادخواست طلاق به دادگاه اقدام نماید. (ماده 131 م.)

• ترک همسر

ترک همسر نیز از اسباب درخواست طلاق است . بنابراین چنانچه هر یک از زن یا شوهر حداقل 3 ماه متوالی با هدف عدم انجام تعهدناشویی منزل را ترک نماید؛ طرف مقابل می تواند نسبت به تقدیم دادخواست طلاق در محکمه اقدام نماید. دادگاه نیز می تواند به درخواست زیان دیده ، به طرف مقابل مدت یک ماه برای برگشت به منزل مهلت دهد. این اخطار به صورت اعلان انجام می شود. در صورت عدم بازگشت او، دادگاه نسبت به انجام طلاق حکم لازم را صادر می نماید. (ماده 132 م.)

• جنون

دیوانگی نیز از اسباب حق درخواست طلاق است . به طوری که براساس ماده 133 م. ترکیه ، چنانچه دیوانگی سه سال تمام استمرار داشته باشد و این وضعیت برای ادامه زندگی مشترک غیرقابل تحمل گردد، طرف مقابل می تواند به دادگاه درخواست طلاق بدهد. در قانون مدنی ایران جنون از موارد فسخ است . (ماده 1121 م. ایران)

• متلاشی شدن زندگی مشترک

چنانچه زندگی مشترک در حد غیرقابل انتظار متزلزل گردد و این وضعیت تداوم داشته باشد، هر یک از طرفین می تواند نسبت به انجام طلاق اقامه دعوی نماید. (ماده 134 م.)

چنانچه که ملاحظه شد:

اولاً هر یک از زن و شوهر در صورت وقوع هر کدام از اسباب ذکر شده می تواند تقاضای طلاق نماید و دادخواست طلاق ویژه مرد نیست بلکه زن نیز از این حق برخوردار است.

ثانیاً طلاق با حکم دادگاه انجام می شود. ضمن اینکه دادگاه با ملاحظه پرونده می تواند نسبت به صدور حکم طلاق یا جدایی اقدام نماید که در صورت حکم به جدایی (نه طلاق) این مدت حداقل یک سال و حداکثر 3 سال خواهد بود. و در صورتی که زوجین در مدت یاد شده به یکدیگر رجوع ننمایند، مدت جدایی پایان می یابد و زوجین به طور دائم از یکدیگر جدا می شوند.

لازم به یادآوری است که در حقوق مدنی ایران، طلاق زوجه منوط به ذکر اسباب نیست اما زوجه خواهان طلاق باید در دادخواست خوددلیل مفارقت را قید نماید ضمن اینکه در صورت نبودن توافق برای طلاق در میان زوجین زن نمی تواند بدون اثبات عسر و حرج در محکمه از شوهر طلاق بگیرد. (ماده 113 م. ایران)

9) احوال شخصی زن مطلقه

زن مطلقه، بعد از طلاق نیز می تواند احوال شخصی خود را که از ازدواج به دست آورده حفظ کند. اما نام خانوادگی زمان تجرد خود را مجدداً کسب می نماید. اگر زن مطلقه در حفظ نام خانوادگی زمان تأهل منفعتی دارد و ضرری متوجه شوهر نمی شود قاضی می تواند به تقاضای او، نسبت به حفظ نام خانوادگی زمان تأهل (نام خانوادگی شوهر) اذن بدهد. مرد در صورت تغییر شرایط می تواند از حاکم تقاضای رفع اذن فوق را نماید. (ماده 141 م.)

10) درخواست نفقه بعد از وقوع طلاق

براساس ماده 144 م. "چنانچه هر یک از زن یا مرد به سبب وقوع طلاق متحمل فقر و تنگدستی شود و در وقوع آن قصور سنگینی نداشته باشد، می تواند از همسر به قدر وسع او به طور دائم درخواست نفقه نماید. اما مرد در صورتی می تواند از همسر تقاضای نفقه نماید، که او مرفه باشد".

ملاحظه می شود که در قانون مدنی ترکیه، نفقه بعد از طلاق تأدیه می شود نه در دوران زندگی مشترک و پرداخت آن صرفاً به عهده مرد نیست بلکه زن مرفه نیز در صورت معسر بودن شوهر هزینه زندگی او را تأمین می نماید. این پرداخت تا زمان رفع فقر و تنگدستی تداوم پیدامی کند. افزایش و کاهش میزان آن نیز نیازمند حکم دادگاه است. اما در قانون مدنی ایران پرداخت نفقه (در طول دوران زناشویی) فقط به زوجه تعلق می گیرد و مشمول حال زوج نمی شود. (ماده 116 م. ایران)

11) حقوق و تکالیف زوجین

زن و شوهر در طول دوران زناشویی حقوق و تکالیفی نسبت به یکدیگر و اعضای خانواده دارند که ذیلاً بررسی می شود:

• ریاست خانواده

به موجب ماده 152 م. ترکیه: "ریاست خانواده با مرد است. انتخاب منزل و اعاشه فرزندان به شکل مناسب به او مربوط است." در حقوق ایران نیز ریاست خانواده با مرد است و ولایت بر اولاد و تأمین زندگی آنان نیز به عهده اوست. (مواد 1105، 1114 و 118 م. ایران)

• تغییر نام خانوادگی همسر

به موجب ماده 153 م. ترکیه: "زن، نام خانوادگی شوهرش را بر خود می‌گیرد. زن برای تأمین سعادت مشترک، در حد مقدور، معاون و مشاور شوهرش است. رسیدگی به منزل به عهده زن است".

• نمایندگی خانواده

بر اساس ماده 154 م. ترکیه: "نمایندگی خانواده با شوهر است. در خصوص اداره اموال، هر چند زن و شوهر اصول دیگری را پذیرفته باشند، اما در تصرفاتشان شوهر شخصاً مسؤول است".

زن نیز به موجب ماده 155 م. "برای رفع نیازهای خانواده همانند شوهر دارای حق نمایندگی خانواده است." اما "چنانچه زن در اجرای این امر کوتاهی نماید یا به شکل سوء به کار گیرد، شوهر می‌تواند این صلاحیت را به طور کامل یا جزاً از وی سلب نماید. سلب صلاحیت باید از طریق دفتر اسناد رسمی صورت بگیرد و الا در مورد اشخاص ثالث ارزشی نخواهد داشت." (ماده 156) البته "اگر زن به این سلب صلاحیت اعتراض نماید و دادگاه به بی سبب بودن سلب صلاحیت واقف گردد، می‌تواند نسبت به اعاده آن اقدام نماید." (ماده 157) و "چنانچه مرد صراحتاً یا ضمناً اذن نداده باشد، زن نمی‌تواند از صلاحیتی که قانوناً کسب کرده، تجاوز نماید." (ماده 158 م).

12) شغل زن

ماده 159 م. که در مورد شغل زن بود، به موجب تصمیم مورخ 1990/11/29 دادگاه قانون اساسی ابطال شد. بنابراین در مورد شغل زن حکم خاصی وجود ندارد و زن همانند مرد می‌تواند در کلیه مشاغل مجاز فعالیت داشته باشد. اما به موجب ماده 1117 م. ایران "شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند".

13) صلاحیت دعوی

به موجب ماده 160 م. زن دارای صلاحیت دعوی است، هر چند که زوجین در اداره اموال خود روش دیگری را در پیش گرفته باشند. در دعوی اشخاص ثالث نسبت به اموال شخصی، شوهر مکلف به نمایندگی از سوی همسر است".

بنابراین زن خود می‌تواند اقامه دعوی کند. اما در مورد اموال، چنانچه اشخاص ثالث طرح دعوی نمایند، شوهر به نمایندگی از وی در دعوی دخالت می‌کند و این نمایندگی جنبه الزامی دارد. لذا شوهر نمی‌تواند این نمایندگی را رد کند.

14) حفظ وحدت خانواده

به موجب ماده 161 م. : "چنانچه هر یک از زوجین در انجام وظایف خانوادگی کوتاهی نماید یا دیگری را با خطر، خجالت و یا ضرر مواجه سازد، طرف زیان دیده می‌تواند مداخله حاکم را درخواست نماید.

حاکم نیز، برای عمل به وظیفه طرف مقصر، به او اخطار می‌دهد. چنانچه اخطار مذکور نتیجه ای نداشته باشد، حاکم تدابیر مقرر در قانون را اتخاذ می‌نماید".

برای رسیدگی به این گونه دعوی محاکم صلح صلاحیت دارند.

14) تعطیل حیات مشترک

به موجب ماده 162 م. : "چنانچه هر یک از زوجین به خاطر زندگی مشترک به لحاظ صحت ، شهرت و پیشرفت شغلی با خطر جدی مواجه شود، می تواند مسکن جداگانه ای را اختیار کند.

زن و شوهر، در زمان اقامه دعوی طلاق یا جدایی ، حق دارند که به طور جداگانه زندگی نمایند. چنانچه هر یک از زوجین دارای حق سکونت جداگانه باشد، حاکم در مورد میزان مشارکت آنکه باید هزینه زندگی دیگری را تأمین نماید، تصمیم می گیرد".

<http://hvm.ir/print.asp?id=35162>

منبع :